

**آبگرمکن، یخچال، فریزر، اجاق گاز و اشیای بلند و بسیار سنگین باید با بست یا تسمه‌های مناسب به کف و دیوار منزل محکم شوند.**

**دعوا، ۴۴ هزار نفر را در تهران به پزشکی قانونی کشاند**

اداره کل پزشکی قانونی استان تهران اعلام کرد: «از ابتدای فروردین تا پایان مردادامسال، ۴۴ هزار و ۳۸۹ نفر به دلیل آسیب‌های ناشی از نزاع به مراکز پزشکی قانونی استان تهران مراجعه کرده‌اند که این میزان در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۵ درصد افزایش یافته است.» اداره کل پزشکی قانونی استان تهران، روز چهارشنبه گزارش داد: «سال گذشته در همین مدت، ۴۲ هزار و ۱۷۱ نفر به دلیل آسیب‌های ناشی از نزاع به مراکز پزشکی این استان مراجعه کرده‌بودند.» بر اساس این گزارش، از مراجعه‌کنندگان در ۵ ماهه امسال به پزشکی قانونی به دلیل آسیب‌های ناشی از نزاع ۲۸ هزار و ۵۶۸ نفر مرد و هزار و ۱۵ و ۸۲۱ نفر زن بودند. به گزارش ایرنا، در مردادامسال نیز آمار مراجعه‌کنندگان نزاع با ۶ درصد افزایش نسبت به مدت مشابه سال ۹۶ به ۹ هزار و ۳۱۶ مورد رسید.

## یادداشت

**امنیت عاطفی کودکان**  
| شهرام علیزاده | روانشناس بالینی کودک و نوجوان |

کودکان به‌عنوان آینده‌سازان این مرزوبوم شناخته می‌شوند و سنگ‌بنای شخصیت سالم و مستقل آنها در این سنین شکل می‌گیرد. دریافت بازخوردهای مناسب از جانب والدین یکی از مهمترین عوامل سلامت روان کودکان به‌شمار می‌آید. بر داشت والدین از تجربه‌های دوران کودکی تأثیر بسزایی بر نحوه فرزندپروری آنها دارد. درک هر چه بیشتر والدین از خودشان و رفتارهایشان موجب ایجاد رابطه‌ای سالم با فرزندانشان خواهد شد.

سلامت و امنیت عاطفی کودکان در گروی بازخوردهای مناسب والدین نسبت به رفتارهای آنهاست.

متأسفانه برخی از والدین با القای حس بی‌اعتمادی در وجود کودکان، تعادل عاطفی او را با خطرات جدی مواجه می‌سازند و صدمات جبران‌ناپذیری به اعتماد به نفس او وارد می‌کنند.

پدتری که در گفت‌وگوهای خود با کودک، ناشایست‌بودن «دروغگویی» را متذکر می‌شود و در زمانی دیگر او را مجبور می‌کند تا به دروغ بگوید «پدرم خانه نیست»، حس دوگانگی آسیب‌زایی را در وجود کودک شکل می‌دهد.

محتمل است که الگوهای رفتاری منفی خانوادگی از والدین به فرزندانشان و از نسلی به نسل دیگر منتقل شوند. تعادل عاطفی کودک در گروی پیش‌بینی‌پذیر بودن، ثبات و پذیرابودن والدین است.

ثبات و پذیرابودن والدین است. تعادل عاطفی کودک در گروی پیش‌بینی‌پذیر بودن، ثبات و پذیرابودن والدین است. روی دوش هر پدر و مادری سنگینی می‌کند. والدین مهمترین شخصیت‌های زندگی فرزندانش هستند و تأثیرات مثبت و منفی بسیاری را در زندگی آنها برجای می‌گذارند. بی‌شک سنگ‌بنای کسب انگیزه و اعتماد به نفس کودک توسط والدین گذاشته می‌شود و این ویژگی‌ها خصوصیه‌های مثبت دیگری را به همراه خواهد داشت. ریشه موفقیت در طول زندگی فرزندانش، پرورش انگیزه و عزت‌نفس او دوران کودکی است. کسب انگیزه و اعتماد به نفس فرزندانشان فراهم می‌کند تا هنگام مواجه‌شدن با مشکلات شخصی، فشارهای جامعه و همسالان از راهکارهای پخته‌تری استفاده کنند. انگیزه در وجود هر فردی با توجه به تجارب شخصی و بازخوردهای اطرافیان کم یا زیاد می‌شود. چگونگی برداشت هر کودک از خود در کیفیت روابط، عواطف و همچنین یادگیری او موثر است.

کودکی که از «امنیت عاطفی» برخوردار نباشد، احساس افسردگی خواهد کرد و به احتمال بسیار زیاد به کودکی مضطرب تبدیل خواهد شد. کودکی که به خود بی‌اعتمادند، در محیط‌های اجتماعی بی‌قرار خواهند بود و در زمان غیبت والدین، شدت مضطرب می‌شوند و دورماندن از مادر برایشان بسیار زجرآور خواهد بود.

این کودکان مدام تشواری فکر را تجربه خواهند کرد و درباره دراست یا غلط‌بودن یک رفتار یا خود کلنجار خواهند رفت. امنیت عاطفی کودک بسیار ضروری است و کودکان به امنیت عاطفی نیازمندند.

احساس این که والدین با مرئی آنها را دوست ندارند، آنها را رها می‌کنند، جا می‌گذارند یا ممکن است بزرگترهای آنها به دلیل اشتباه‌بودن و دیگر برنگردند، بسیار برای کودکان دردناک است.

هیچ‌گاه در صحبت‌هایشان برای تنبیه کودک و به اصطلاح سسر به راه کردن او از جملات این چینی استفاده نکنید: «بیگه دوست ندارم و مامانت نیستی»، «میداورم تو رو نیبیم و از دستت راحت شم»، «دیگه دوست ندارم، چون به حرف من گوش نمی‌کنی.»

به کاربردن چنین جملاتی امنیت روانی کودک را با خطرات جبران‌ناپذیری مواجه خواهد کرد.

- در صورت تنبیه کودک، رفتار او را مورد انتقاد قرار دهید و شخصیت او را خدشده‌ار نکنید.

- به او اعتماد کنید و در برابر اشتباهات او با صبوری برخورد کنید.

- او را بی‌قید و شرط دوست بدارید و برای خواسته‌شدن او قانون نگذارید.

- با او صادق باشید و خودتان در درجه اول به توصیه‌هایتان عمل کنید.

- فرزند خود را با تمام نقاط ضعف و قوتش پذیرد.

- با مشاهده رفتارهای نامطلوب به او برسب نزنید.

- به کاربردن کلماتی همچون «بی‌درک، تنبل» می‌تواند باورهای کودک نسبت به خود را تحت تأثیر قرار داده و او را به فردی بی‌ثبات تبدیل کند.



## واکوی سخنان مسئولان اجتماعی کشور درباره افزایش یا کاهش طلاق در ایران

# چرا «جدایی» کم نشده است؟

**رئیس سازمان انجمن مددکاری اجتماعی:** از سال ۹۷ تنها ۶ ماه گذشته و نمی‌توان در مورد طلاق و ازدواج امسال اظهار نظر و قضاوت منطقی داشت. **میشه یکی از راه‌های ارزشیابی مقایسه میزان طلاق و ازدواج است. بهتر بین حالت برای ما این بود که ازدواج افزایش و طلاق کاهش داشته باشد ولی واقعیت جامعه در کلان این است که ما روند کاهش ازدواج را داریم**

## ویژگی‌های فردی و شرایط اجتماعی هر دو مقصر ند

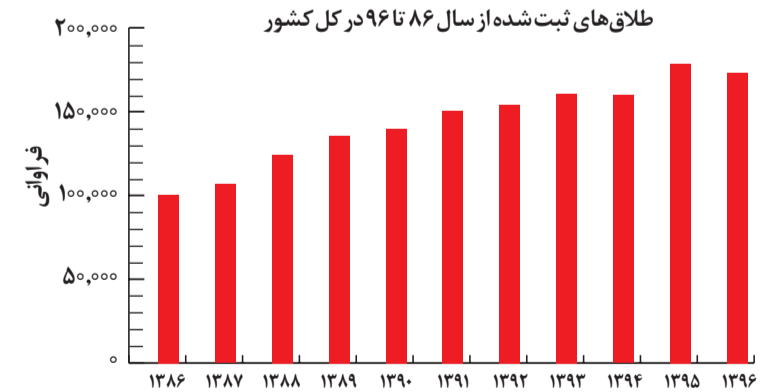
سهیل رضایی، پژوهشگر و کارشناس مسائل اجتماعی هم بر این باور است که ادامه زندگی یک احسن مطلوب است اما اینکه چرا این اتفاق در بعضی از زندگی‌های مشترک نمی‌افتد، جای بحث دارد و نشان از این دارد که موانع جدی‌تری از خواسته‌ما وجود دارد که سبب می‌شود این مطلوب محقق نشود. او به «شهروند» می‌گوید: «یکی از دلایل طلاق را می‌توان به سمت میانسالی رفتن جامعه اختصاص داد. میانسالی مرکز تولد بحران‌هایی است که یک‌عمر خفته بوده‌اند. در واقع به اصطلاح عامه افراد از جایی که بعد می‌بُرد و واکنش نشان می‌دهند و اگر در چنین شرایطی جامعه خریدار اختیار آنها نگذارد، منجر به فروپاشی می‌شود، چون فرد چیزی‌هایی در درونش بالا می‌زند که نمی‌داند چگونه آنها را مدیریت کند، بنابراین خموش‌رایه صورت طرف مقابلش پرتاب می‌کند.» رضایی ادامه می‌دهد: «طلاق و عوامل متعدد دخیل در آن مسأله‌ای است که در هر جامعه‌ای در حال وقوع است، البته اگر جوامع بتوانند نسبت به این موضوع کنش داشته باشند، این توانایی را می‌یابند که آن را مدیریت کنند. در واقع جامعه‌ای که جاده اجتماعی دارد و وقتی شهروندانش به این نقطه می‌رسند، با علایم هشدار دهنده روبه‌رو می‌شوند، می‌توانند این آسیب را کاهش دهد، در غیر این صورت بی‌شک تلفات بیشتری خواهد داد.» او دوره میانسالی و سه‌سال اول زندگی را دو منطقه خطر ساز اعلام می‌کند: «این مسائل در میانسالی و سه‌سال اول زندگی امکان دارد رخ بدهد؛ این دو منطقه خطر سازند. ما جامعه‌ای سنتی بودیم که افراد بزرگتر خردها و آموزه‌های مورد نیاز مشترک زندگی را به جوان‌ترها منتقل می‌کردند اما به یک‌باره همه اینها را از دست دادیم و افرادی که قصد ورود به زندگی مشترک را داشتند، عاری از تجربیات و آموزه‌ها، این تجربه را به تنهایی شروع می‌کردند و شاید باری همین است که معیار انتخاب عشق شده است؛ در حالی که عشق سطحی‌ترین معیار انتخاب برای زندگی مشترک است.»

طلاق آسیبی است که در همه جوامع با هر سطح از پیشرفت به چشم می‌خورد و اگر جامعه‌ای راهکاری برای آن نداشته باشد، سبب می‌شود افراد به شکل انفرادی برای حل معضل خود به مشاور مراجعه کنند و این در حالی است که نه سینما و نه سریال‌ها و... هیچ کدام خرد درستی برای منتقل کردن در راستای کمک به پایداری رابطه‌ها ندارند. این پژوهشگر ازدواج و طلاق، با بیان این موضوع، راهکار جامعه ایران را در داشتن انجمن‌هایی در این زمینه می‌داند و می‌گوید: «انجمن‌هایی می‌توانند به این مسأله ورود پیدا کنند؛ انجمن قبل از تصمیم به طلاق به‌عنوان مثال، انجمن‌هایی از افرادی که چنین تجربیاتی داشته‌اند و توانسته‌اند از آن عبور کنند. نمونه‌های مشابه آن را در جوامع دیگر مشاهده می‌کنیم مانند انجمن‌های سوگ که در جهان فعالیت می‌کنند و افراد سوگوار را در ۳۰ روز اول با ۳۰ قدم همراهی می‌کنند تا فاجعه‌ای برای زندگی‌شان نباشد. یکی از ایراداتی که به انجمن‌ها وارد است، این است که سنتی فعالیت می‌کنند و از این مسأله غافلند که می‌توان کارهایی در راستای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی انجام داد. به‌عنوان مثال می‌توان به جای کار روی سرپرست خانوار برویم، سراغ مسائل قبل از تنهانشدن زن و مرد.» رضایی ادامه می‌دهد: «وقتی در زندگی تحت فشاریم چند روزنه امید می‌تواند از آن فشار بکاهد. ما نیاز به شادی‌های خیابانی داریم تا به واسطه آنها غم‌های محدود را دلمان بلند شوند و کمی آرام‌تر شویم. در غیر این صورت کوچک‌ترین مسائل خانوادگی منجر به جنجال می‌شوند. قطعاً مسائل اجتماعی فشار می‌آورد اما توانمندی‌های فردی هم تعیین‌کننده‌اند. ویژگی فردی می‌تواند توان مقابله کردن در فراهم‌بیاورد و در مقابل فشارهای اجتماعی هم جایگاه خودشان را دارند.»

است و این بدان معناست که حال و روز کشور در این حوزه خوب نیست؛ به‌عبارتی به نسبت گذشته بدتر شده است.

رئیس انجمن مددکاری اجتماعی کاهش یا توقف روند رشد طلاق را پروسه‌ای سخت و زمانبر می‌داند: «کاهش یا توقف طلاق بسیار سخت است، چون زمانی که طلاق مطرح می‌شود مسائلی همچون اعتماد به مواد مخدر، فقر، آموزش مهارت‌های اجتماعی و روابط اجتماعی مطرح می‌شود. این گونه نیست که بگوییم روی جزیره طلاق کار کنیم، مسأله حل می‌شود، زمانی می‌توان از کنترل روند رو به رشد طلاق صحبت کرد که در گام نخست روی مدیریت اجتماعی کار آمد، سلامت روان اجتماعی، موسوی رفتن شاخص سرمایه اجتماعی، نهادینه‌کردن مسئولیت اجتماعی و مهربانی اجتماعی و سایر مولفه‌های دخیل کار کنیم.»

البته در این موضوع نباید از یاد برد که با کار روی این مولفه‌ها هم نباید توقع داشت در کوتاه یا میان‌مدت به نتیجه مطلوب رسید. این باور مذهبی، باید از تمام ظرفیت‌ها برای پیشگیری‌های اجتماعی بهره برد. از مسائلی اجتماعی نباید غفلت کرد، البته نباید از یاد برد که باید در این حوزه برنامه‌ریزی بومی و محلی داشت، چون علت‌های طلاق در همه مناطق یکسان نیست و به همین دلیل نباید برنامه‌ریزی یکسانی برای آنها داشت.»



## نتیجه فعالیت‌هایمان از کاهش شیب رشد طلاق می‌گوید

بر اساس برنامه ششم توسعه قرار است سازمان بهزیستی مسئول کاهش طلاق در کشور شود؛ از زمان تصویب این برنامه قرار شده که این سازمان فعالیت‌ها و برنامه‌هایش را بر این موضوع اجرایی کند و حالا از کاهش جهش رشد طلاق در کشور سخن به میان آمده است. «حبیب‌الله مسعودی‌فرید»، معاون اجتماعی بهزیستی هم بر این باور است که برای کاهش طلاق و در نهایت امکان توقف رشد آن نیازمند توجه جامع به همه مسائل دخیل در آن هستیم و به «شهروند» می‌گوید: «از آنجایی که طلاق آسیبی اجتماعی هستیم و بازخوردهای بسیاری در جامعه دارد، فعالیت‌های بی‌شماری در این عرصه صورت گرفته و نتیجه‌گویی این مسأله است. حداقل شیب رشد طلاق کاهش را تجربه کرده است.» از آنجایی که طلاق مسأله‌ای اجتماعی است، باور جامعه‌شناسان بر این است که باید نگاه جامع به طلاق و خانواده داشت، چون طلاق فرآیندی است که عواملی همچون مسائل فردی، فرهنگی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و... در آن تأثیر دارند. نیاز است به تک‌تک این موارد و عوامل توجه شود؛ عواملی که وزن نامینی در دخیل‌شدن در فرآیند طلاق ندارند و این میزان در هر شهر و استان متغیر است. مسعودی‌فرید با مثال‌زدن کشورهای اسکاندیناوی ادامه می‌دهد: «در کشورهای اسکاندیناوی سطح اقتصادی و رفاهی شهروندان در شرایط مساعدی قرار دارد اما با این وجود شاهد آمار بالای طلاق در این کشورها هستیم؛ آماري که یکی از دلایل دخیل در آن گرایش به فردیت است. اگر چه نبود تفاهم و زوجین راهم در کنار خود می‌بینند، البته بعضی مسائل و جنبه‌ها نگرانی‌های دیگر هم به این مسأله دامنی می‌زنند و موجبات این رفتار آهم آورده‌است که آمار طلاق افزایش را به خود ببیند.» معاون اجتماعی بهزیستی از وجود مراکز کاهش طلاق در ایران خبر می‌دهد: «به دلیل اهمیت مسأله طلاق مراکز مشاوره و کاهش طلاق را داریم که بررسی‌هایی را می‌ان. هزار نفر انجام داده و این بررسی‌ها نشان از این دارد که اولین علت طلاق، نداشتن مهارت ارتباطی بین زوجین است و بعد مسائل همچون دخالت اطرافیان، اعتیاد، مسائل اقتصادی، عدم مسئولیت‌پذیری زوجین و... قرار دارند؛ اگر چه ورود به مسأله هر یک از زوجین به تنهایی هم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به همین منظور سازمان مدیریت و برکرد موردی در پیش‌روی خود قرار داده است. طلاق آسیبی است که می‌تواند نگاه جامع به آن داشت و به اعتقاد جامعه‌شناسان باید همه جوانب را اسنجد؛ باوری که به جرأت باید بر آن صحنه گذاشت.»